

گرای مطلب اعلاي بني مطلب وای مقصد اقصای
 الفاضی وای اهوکی بافتنای عبد مناف وای
 متبع مکارم بنی هاشم ایت نبوت در شان شماست
 و عزت رسالت در خاندان شما گماشدان همه بن گوی
 و جلال و جبرد باری با زای گما از وقتما پیشیم آیم و از
 گذشته پیشان **و با بی** تایی هدف تا و کین خواه
 و ز دوری قوی دل و زنی خواه بود
 بر روی زمین پیش قوم در زمین
 در زین زمین نیز چنین خواه بود
 عقل بوی نوشت
 صدقت و کلت حقا غیر آینه
 اری ان لا ادک ولا قرانی و کست اول سوء الی صدق
 و لیکنه اصدا اذ احفایه یعنی چون گمراهی وستی
 بر خند با ندگم گنج مفارقت کبر و بگوی مهارت
 لجنه که که مفاقت و با غیر دونه و فی ما حق کونیه

گراید

گراید نه ان گم بیدی میان بنده و بید گوی زبان
 گشتاید **مشتوی** چون شود با تو یا در جلال اند
 جز حدای مگوی او پیش **جد مکن** در خصیت بیبا
 اندکی روی شتی بگذر **بان** معا وین با عذر ان
 معاودت و التماس صلح کرد و صد هزار درم بداد
 صلح فرستاد و بنیاد عهد نهاد **قطعه**
 عذر خواهی بکن و عفو طلب شو چو فتد
 رخسار قاعده باری باران قدم
 و سر نیاید بهم از رخسار بگفتار زبان
 در عمارت کوشش کوشش بخت رویم
حکایت حجاج در شکار گاهی از لشکران جدا
 افتاد بستی بر آمد و دید لشکرانی نشسته و از خرقه خود
 جسدگان ی چینه و شتران گرداوی چرند چون
 کربلای

